نگاه

در نشست بزرگداشت روز شعر و ادب پارسی؛

ادیب پاکستانی بر ضرورت ترجمه آثار استاد شهریار به اردو تاکید کرد

شنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۰ نشست مجازی «گرامیداشت روز شعر و ادب فارسی و بزرگداشت استاد شهریار» به اهتمام خانه فرهنگ ایران در لاهور، با حضور استادان زبان فارسی دانشگاه‌های لاهور، شعرا و علاقه‌مندان به فرهنگ ایران و زبان فارسی برگزار شد.

در این نشست مجازی جعفر روناس، مسئول خانه فرهنگ، دکتر علی کمیل قزلباش؛ شاعر و ادیب پاکستانی، دکتر بابر نسیم آسی، رئیس اتاق ایران شناسی دانشگاه دولتی لاهور، دکتر فوزیه تبسم، رئیس اکادمی فرهنگی، ادبی صوفی تبسم، دکتر عظمی زرین نازیه، استاد زبان فارسی پنجاب و دیگر شرکت کنندگان هر یک با تشریح جایگاه شهریار به عنوان احیاء گر سبک کلاسیک در عصر معاصر، تاثیر شعر و ادب فارسی را مورد بررسی قرار دادند.

در ابتدای این نشست جعفر روناس، با بیان جایگاه ممتاز استاد سید محمد حسین بهجت تبریزی گفت: استاد شهریار در میان شاعران معاصر مهم‌ترین غزل‌سرای سبک کلاسیک شعر فارسی است. با وجود شعرا و ادیبان بی‌شمار ایران زمین، نامگذاری روز روز شعر و ادب فارسی به نام استاد شهریار نشان از اهمیت جایگاه این شاعر معاصر دارد. شهریار در سرودن انواع گونه‌های شعر فارسی مانند قصیده، مثنوی، غزل، قطعه، رباعی و شعر نیمایی نیز تبحر داشت، اما بیشتر در غزل طبع آزمایی کرد و مشهور شد.

وابسته فرهنگی کشورمان ادامه داد: شاعران ایرانی اندیشه‌های ناب را به بهترین شیوه در آثار ادبی فارسی نشان داده‌اند. زبان نقد حافظ و اخلاق و تربیت در آثار سعدی به شیرینی بیان شده است. عطار، مولانا و ابوسعید بهترین مضامین عرفانی را عرضه کرده‌اند و عشق و شیدایی در سخن سعدی و نظامی و حافظ و مولانا به کرات آمده است. از سوی دیگر بهترین جلوه حماسه، وطن‌دوستی، انسانیت در شاهنامه بزرگ حکیم فردوسی است.

جعفر روناس بیان کرد: شهریار صاحب سبک شخصی است یعنی آمیزه‌ای از سیری که ادبیات تا کنون طی کرده به علاوه خلاقیت خود ایشان و زمانی که تکرار یک ویژگی زیاد می شود شود تبدیل به ویژگی سبکی می‌شود.

بابر نسیم آسی؛ رئیس اتاق ایران شناسی دانشگاه دولتی لاهور بررسی و آشنایی با شاعران معاصر ایرانی در جامعه ادبی پاکستان را امری ضروری دانست و گفت: محمد حسین شهیار شاعر نامدار معاصر احیاگر سبک سنتی و کلاسیک به شمار می‌آید زیرا که ذائقه شعر وی همانند اشعار حافظ زیبا ودلنشین است.

وی دوره زمانی بین سامانیان و صفویان در ایران را برگ زرین شعر و ادب کلاسیک فارسی خواند و گفت: در این دوران با توجه به شرایط روزگار و ذوق شعری شاعران و ادیبان، سبک های متعددی ازجمله سبک خراسانی، سبک عراقی و سبک هندی در بیان شعر ایجاد شدند.

رئیس بخش ایران شناسی دانشگاه دولتی لاهور با بیان نقش شاعران در شکوفایی علم در ایران گفت: عالمان قدیم که به علم نجوم و دیگر علوم دینی و دنیوی تسلط داشتند می‌توانستند با استفاده از دانش خود اشعار زیبایی به صورت قصیده و عزل با تمثیلات و تمهیدات گوناگون و شیوا بسرایند به همین دلیل است که هیچگاه این اشعار مانند علم پوسیده و قدیمی نمی‌شود زیرا که این متون زیبا از علم و دانش شاعران و غزل‌سرایان سرچشمه می‌گیرد.

دکتر عظمی زرین نازیه، استاد زبان فارسی با بیان ابیاتی از شعر شهریار گفت: اشعار شهریار که با خلاقیت ذاتی سروده شده است بسیار شیرین، پرمحتوی و غنی است.

وی افزود: شهریار نه تنها وطن دوست بود بلکه انسان دوست نیز بود به همین دلیل است که اشعار وی در قلب و جان همه انسان‌ها می‌نشیند.

علی کمیل قزلباش؛ از شاعران پاکستانی با بیان زندگی پربرکت زنده‌یاد استاد شهریار و تلاش خستگی ناپذیر وی در خلق آثار کم نظیر به صورت شعر گفت: نام شهریار اکنون مرزها را شکافته و بیشتر ادیبان جهان با نام وی آشنا هستند.

وی با بیان اینکه قبلاً مقاله‌ای درباره استاد شهریار و جایگاه شعر ایشان در عصر جدید نوشته و در مجله ادبی پیام آشنا به چاپ رسانده گفت: ادیبان و شاعران پاکستانی نیز با اشعار شهریار آشنا هستند و قبلاً نیز مراسم متعدد گرامیداشت ایشان در شهرهای مختلف پاکستان ازجمله کویته برگزار شد.

این شاعر پاکستانی در ادامه بر چاپ و نشر آثار شهریار به زبان اردو در پاکستان تاکید کرد.

در این وبینار همچنین دکتر مزمل، سید ذیشان الحسن و خانم تهمینه از استادان زبان فارسی هر یک ابیاتی از اشعار شهریار را قرائت کردند.

این نشست به طور زنده از طریق شبکه اجتماعی فیسبوک برای عموم به نمایش گذاشته شد.

صادق پناهی‌نسب در نشست «تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر شکاف بین نسلی»؛

حاکمیت با نسل جدید دچار کسست شده است

۴۲۳نشست تخصصی کارشناسی جبههٔ انقلاب اسلامی در فضای مجازی و اندیشکدهٔ فضای مجازی مرکز مطالعات راهبردی ژرفا با مشارکت خبرگزاری مهر باحضور «صادق پناهی نسب» با موضوع «تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر شکاف بین نسلی» برگزار شد، در ابتدای این نشست عنوان کرد: اگر بخواهیم تعریفی جامع و کاملی از شکاف بین نسلی ارائه دهیم باید تفاوت بین والدین و فرزندان را مورد توجه بگیرد به طور معمول والدین برای تربیت فرزندان خود یکی از ۳ روش پیش رو را انجام می‌دهند.شیوهٔ اول برای تربیت فرزندان «سهل گیری» است به این معنا که والدین هیچ کنترلی بر روی رفتار فرزند خود اعمال نمی‌کنند. روش دوم والدین به صورت استبدادی با فرزند خود روبرو می‌شوند به این معنا که اجازهٔ هیچ کنش‌گری به فرزند خود نمی‌دهند و فرزندان باید به طور کامل مطابق میل والدین رفتار کنند. اغلب این کودکان گوشه‌گیر هستند به همین جهت ناخودآگاه اعتماد به نفس خود را هم در طول مدت از دست می‌دهند و توانایی ابراز وجود اجتماعی ندارند و آخرین گروه از والدین با شیوهٔ اقتدارگرایانه با فرزند خود برخورد می‌کنند به این معنا که گاهی اجازهٔ ابراز وجود به کودک می‌دهند اما اگر مخالف رفتاری از وی باشند با اقتدار با وی مواجه می‌شوند.

خانواده باید اصلی‌ترین نهاد مؤثر بر تربیت فرزندان باشد

پناهی نسب افزود: هیچ یک از این ۳ شیوه به طور کامل اقتضائات تربیت کودک را برآورده نمی‌کنند، شیوهٔ درست اتخاذ رویکردی ترکیبی از سخت‌گیری و آزادی عمل در کنش‌گری اجتماعی برای فرزندان است. خانوادهٔ اسلامی در روش تربیتی فرزندان مقابل تمام رفتارهای وی ایستادگی نمی‌کند تا مانع رشد و پیشرفت وی نباشد از طرفی به طور کامل وی را رها نمی‌کند که متضرر شود؛ چرا که آزادی مفرط در تربیت موجب خواهد شد که نوجوان به سمت پرتگاه حرکت کند و با آسیب‌های جدی در جامعه روبه‌رو شود. حال باید با توجه به شرایط جامعه باید به این سوال پاسخ دهیم که آیا در اجتماع کنونی شکاف بین نسلی وجود دارد؟ برخی جامعه‌شناسان معتقدند که نهادهای مختلفی در جامعه‌پذیر کردن فرد مؤثر هستند، نخستین نهاد مؤثر خانواده است، بعد از آن فرآیند جامعه‌پذیری فرد در آموزش و پرورش، گروه همسالان و در نهایت نهاد رسانه ادامه پیدا می‌کند به عقیدهٔ این گروه هر نهادی که نقش بیشتری در جامعه‌پذیر کردن انسان داشته باشد، بخش بیشتری از کنترل فرد در اجتماع را نیز برعهده خواهد داشت بنابراین اگر فرد در خانواده جامعه‌پذیر شود، این نهاد توان بیشتری درکنترل اجتماعی وی را خواهد داشت.

والدین نباید از نقش فضای مجازی در تربیت فرزندان در دنیای امروز غافل شوند

این کارشناس مرکز ژرفا در ادامه گفت: باید بپذیر در جامعهٔ ایران شکاف و گسست به این معنا که والدین درک درستی از تغییر در نگرش‌ها، افکار، عقاید و باورهای فرزندان خود ندارندکه نوجوانان و جوانان بیان جملهٔ متداول "مادر و پدرم مرا درک نمی‌کنند." به آن واکنش نشان می‌دهند. والدین باید به این نکته توجه داشته باشند که سبک تربیتی در دهه‌های مختلف تفاوت زیادی باهم دارد، برای مثال در دهه‌های گذشته ارتباط اغلب افراد جامعه به صورت ارتباط مستقیم و چهره به چهره اتفاق می‌افتاد اما امروز ساحت دیگری به نام فضای مجازی هم در زندگی انسان مؤثر است و در امتداد یکدیگر هستند بنابراین والدین نباید از نقش فضای مجازی غافل شوند.

مسئولین نسل اول با پذیرش صندلی مشورتی، عرصه را برای مدیریت جوانان انقلابی فراهم کنند

وی در ادامه خاطرنشان کرد: البته این شکاف نسلی محدود به روابط بین فرزندان و والدین نیست و حاکمیت هم به نوعی با نسل جدید دچار گسست شده است به این معنا که امروز مسئولان نسل اول انقلاب اسلامی همچنان مایل به ترک مسئولیت خود نیستند، در حالی که باید بپذیرند از ذائقه نسل جوان اطلاعی ندارند بنابراین باید در کسوت مشاوره قرار بگیرند و فرصت خدمت را به نسل چهارم انقلاب اسلامی واگذار کنند، متاسفانه برخی از آن‌ها حتی حاضر نیستند که روش مدیریتی خود را نسبت به موقعیت و ذائقه جوانان امروزی بروز کنند بنابراین شیوهٔ مدیریت آن‌ها تغییر نمی‌کند و جوانانی هم که اقتضائات جامعه و ذائقه نسل خود را می‌شناسند، نقشی در مدیریت کشور نقشی بر عهده نمی‌گیرند و شکاف بین نسلی حاکمیت و جوانان تقویت می‌شود.

رهاشدگی در فضای مجازی، جوانان را دچار بحران هویت می کند

این کارشناس فرهنگی تصریح کرد: متاسفانه در سالهای اخیر سبک تربیتی نادرست والدین و مصائب اجتماعی کشور سبب شده است تا جوانان درگیر مسائلی همچون افسردگی و پرخاشگری باشند اگر این روش تربیتی نادرست ادامه پیدا کند، دخترانی که امروز با این روش تربیت می‌شوند در یک سیکل غلط نسل آینده را هم با روشی مشابه تربیت خواهند کرد به بیان دیگر عدم پیوند و ناشناخته بودن جامعه است که سبب شده تا بخشی از جوانان در این فضا رها باشند و در این فضا دچار خلأ معنا می‌شوند، مسئله‌ای که جوانان را دچار بحران هویت می‌کند و به گسست بین نسلی دامن می‌زند. مثال‌های بارزی هم مؤید این نظر است، برای نمونه تحقیقاتی که سال‌ها پیش در شهر شیراز انجام دادم به وضوع حاکی از این واقعیت بود که گسست بین نسلی در جامعه وجود دارد، کودکان در مناطق جنوبی شهر بازی‌های دهۀ ۶۰ یا ۷۰ را انجام می‌دادند اما خردسالان و نوجوانان در مناطق شمالی شهر از بازی‌های دیجیتال آن مقطع استفاده می‌کردند. این پژوهش به ما نشان داد که کودکان شیرازی در یک محدودهٔ جغرافیایی زندگی می‌کند اما از لحاظ تربیتی، نوع نگرش و سبک زندگی فاصلهٔ زیادی از یکدیگر دارند بنابراین باید اذعان کرد که افراد در فرهنگ‌های مختلف در جهان‌های متفاوتی زندگی می‌کنند ولو این‌که افراد در داخل یک خانواده باشند چون فرهنگ ها متفاوت است، نوع جهان‌بینی و نگرش متفاوتی به مسائل و مشکلات داشتند، در هرصورت والدین باید تغییرات جهان امروز را بپذیرند و به جای تلاش برای حذف آن به فراگیری راهکارهای مدیریتش بپردازند.

شبکه‌های اجتماعی امروز همان نقش تلویزیون در عصر صنعتی شدن فرهنگ را ایفا می کنند

پناهی نسب در ادامه خاطرنشان کرد: کنترل و هدایت انسان از طریق نهادی انجام می‌شود که فرآیند جامعه‌پذیری انسان را مدیریت کرده است. اکنون که بخش عمده‌ای از جامعه‌پذیر کردن افراد در شبکه‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد، هدایت خانواده‌ها نیز از همین طریق انجام می‌شود سابق بر این مرسوم بود که در نظام سرمایه داری حاکمان بر این اعتقاد بودند که برای کنترل کارگران ناراضی از مشکلات اقتصادی قیام همیشه نمی‌توان از شیوهٔ سرکوب استفاده کرد بنابراین بهترین راه حل برای جلوگیری از بروز این مشکلات منحرف کردن ذهن کارگران از مسئله است به همین جهت ایدهٔ فراگیر کردن تلویزیون اجرا شد و به دنبال آن، کارخانه های تولیدکنندهٔ محصولات، کالاهای تولیدی خود را در تلویزیون تبلیغ می‌کردند، راهبردی که سبب شده تا کارگران برای ارضای این نیازهای کاذب ساعت‌های بیشتری کار کنند و جامعهٔ مصرفی متولد شود. شبکه‌های اجتماعی در عصر حاضر نقش تلویزیون در آن دوره را ایفا می‌کند تا احساس نیاز کاذب در مردم ایجاد شود و آن‌ها را دچار انحراف ذهنی کند، پدیده‌ای که «تحقر فرهنگی» نام دارد مواجه هستیم به این معنا که زمانی افراد جامعه یک کالایی را خریداری می‌کنند اما هنوز فرهنگ استفاده از آن را نمی‌دانند، برای مثال استفاده نادرست از فضای مجازی و محدود کردن تمام ارتباطات دنبیای واقعی به این فضا تا جایی که اگر در مقطعی صفحهٔ فرد مسدود شود، ارتباط فرد با دنیای واقعی قطع خواهد شد و افراد انگشت‌شماری به دنبال آگاهی از احوال فرد در دنیای واقعی هستند.

زمان عنصر اصلی فضای مجازی برای ایجاد ارتباط است

وی در ادامه بیان کرد: وجود شبکه های اجتماعی و استفاده نادرست از آن‌ها باعث خدشه دارشدن آداب و رسوم جامعه می‌شود؛ چرا که افراد جامعه به غرب‌گرایی دچار می‌شوند. مردم ایران در گذشتهٔ دارای خصلت‌هایی همچون از خودگذشتگی، ایثار و جوانمردی بودند اما در حال حاضر استفادهٔ افراطی از شبکه‌های اجتماعی سبب شده تا برخی از ایرانیان این خصلت‌ها را نداشته باشند، معضلی که می‌توان آن را جزوء بارزترین پیامدهای منفی فراگیری افراطی شبکه‌های اجتماعی دانست به همین خاطر است که متفکران مدعی هستند تمام مردم دنیا به سمت دهکده جهانی در حال حرکت هستند. عنصر اصلی در فضای مجازی زمان است و مکان اهمیت چندانی ندارد یه این معنا که مهم نیست افراد در چه مکانی قرار دارند، فقط مهم است در یک محدودهٔ زمانی حضور داشته باشند، برای مثال در ساعتی مشخص برای حضور در کلاس دانشگاهی به اینترنت متصل شود، فارغ از این که در چه مکانی حضور دارد.

هر فرد بر اساس منظومهٔ فکری خود به دنبال محتوا می‌رود

این کارشناس در ادامه عنوان کرد: هرفردی در جامعه محتوایی متناسب با ساختار ذهنی خود را دنبال می‌کند، پست‌ها و کامنت‌های می گذارد. کشور ما با نوعی از جنگ رسانه‌ای و شناختی مواجه است که برگرفته از بافت‌های ذهنی و ساختارهای ایدئولوژی می‌باشد بنابراین کسانی که مخاطب زیادی دارند با کنش‌های صحیح خود می‌تواند کشور را در کاهش این شکاف‌های نسلی یاری کند، فعالیت‌های عقل گرایانه‌ای که اقناع کردن مخاطب، عقلانیت و استدلال در پس آن وجود دارد و می‌تواند بین افراد با نظرات متفاوت تعادل برقرار کند.

اگر نهادهای جامعه‌پذیری درست عمل کنند، شکاف نسلی از بین خواهد رفت

پناهی‌نسب در خاتمه گفت: به زعم بنده رسانه های اجتماعی فارغ از اهداف و نیاتی که برای تحقق آن متولد شده‌اند اگر به درستی مدیریت شوند، علیرغم نابرابری موجود می‌توان در این فضای رسانه‌ای اثرگذار بود. هرفردی که قصد استفاده از تلفن همراه را دارد، باید ابتدا فرهنگ استفاده از آن را فرابگیرد بنابراین بهترین موضوعی که می‌تواند در استفاده صحیح از تلفن همراه و فضای مجازی کمک کند، آموزش درست از طریق نهاد های تربیتی است که خانواده‌ها در این بیشترین نقش مؤثر را دارند، بعد از آن‌ها رسانه‌ها این باید فرآیند تربیت فرد را دنبال کنند اگر فرآیند درستی در تربیت نسل‌ها اجرا شود، این شکاف بین نسلی کاهش پیدا می‌کند و تهدیدهای فضای مجازی به فرصتی برای ایجاد ارتباط بین مردم بدل می‌شود.

«اثریا» تمام آن چیزی که از جنگ سوریه نخوانده‌اید

در اولین مواجهه با کتاب «اثریا»، وقتی تصویر جلد را می‌بینید احتمالاً برداشت شما این خواهد بود که با یک روایت جدید در ژانر ادبیات پایداری روبه‌رو هستید؛ اما این همه ماجرا نیست. با خواندن چند صفحه اول کتاب متوجه خواهید شد که نه تنها با روایت جدیدی مواجهید بلکه شیوه بیان و جنس اتفاقات نیز کاملا تازه و منحصر به فرد هستند.

شاید بتوان گفت در «اثریا» با نوعی تابوشکنی مواجهیم. از ادبیات گفت‌وگوی شخصیت‌های داستان با یکدیگر تا شیوه انجام عملیات و حتی نحوه شهادت رزمندگان.

افرادی که برای دفاع از حرم به سوریه رفته‌اند و علی الظاهر باید شبیه مدل شکل گرفته از رزمندگان مدافع حرم در ذهن ما رفتار کنند؛ اما داستان دقیقا برعکس است. در این روایت که البته در انتها متوجه خواهید شد یک روایت صرف نیست، با خودِ خود واقعی و دور از کلیشه آدم‌ها در آن فضا روبه‌رو هستید.

نکته جالب توجه آن است که هیچ‌گاه نه مستقیما از زبان راوی داستان، که خود یکی از کلیدی‌ترین اعضای گروه است-و نه از زبان دوستانش نخواهید شنید که برای دفاع از حرم به سوریه آمده‌اند. در واقع هدف در این روایت هیچ‌گاه مستقیما عنوان نشده و با زیرکی و توانمندی بی نظیری به شکل غیرمستقیم به مخاطب رسانده می‌شود.

«اثریا» رسماً فضای غالب را دور می‌زند و مثل یک مستند داستانی آنچه را در حال رخ دادن است بدون هیچ فیلتری به شما نشان می‌دهد. و همین بدون روتوش بودن است که در اکثر اوقات شما را کاملا از فضای اطرافتان حذف می‌کند و باعث می‌شود خود را در مناطق جنگی سوریه حس کنید. خیلی زود متوجه خواهید شد کتاب پیش‌رویتان کاملا با پیش فرض‌هایی که از یک داستان جنگی دارید متفاوت است. دیالوگ‌هایی که بین افراد رد و بدل می‌شود حتما تعجب شما را برمی‌انگیزد، شاید بتوان گفت آن‌ها بدون هیچ ملاحظه‌ای با یکدیگر حرف می‌زنند، تصویری از جنگ که تا به حال با آن مواجه نشده‌اید.

شخصیت اصلی داستان که تمام ماجرا را از زبان او می‌شنوید اما تا پایان کتاب نام او را متوجه نخواهید شد، با توصیف‌های دقیق از احوالات شخصی و اتفاقات پیرامونش یک تصویر واقعی از موقعیت را پیش روی شما نمایان می‌کند. او سناریوهای شسته‌رفته‌ی همیشگی را کنار می‌زند و نشان می‌دهد که در موقعیت محاصره می‌توان ترسید، می‌توان تصمیم غلط گرفت، می‌توان پرخاش کرد، عصبانی شد و حتی اشتباه کرد.

به نظر برگ برنده «اثریا» دقیقا آن‌جاست که از قبل از شروع موقعیت جنگی آغاز می‌شود و تا بعد از پایان جنگ ادامه می‌یابد. یعنی نویسنده شما را ابتدا وارد فضای ملتهب و نفسگیر جنگ نخواهد کرد. او کاری می‌کند که طعم آرامش و امنیت را کاملاً حس کنید. سپس دستتان را می‌گیرد و شما را در تمام لحظات سخت و عجیب عملیات همراه می‌کند، گویی دوشادوش او و همرزمانش می‌جنگید و در حال تکاپو برای پیروزی هستید.

اگر حتی لحظاتی هیجان زده شدید یا حس کردید عرق می‌ریزید و نفستان بند آمده تعجب نکنید، شما در حال تجربه یک جنگ تمام عیار هستید. پس از پیچ و خم‌های بسیار بالاخره همراه نویسنده به عقبه برمی‌گردید و دوباره امنیت و آرامش را تجربه می‌کنید. اما این‌بار قطعا تجربه شما مانند تجربه ابتدای کتاب نخواهد بود. شما سوار هواپیما شده‌اید و با یک پرواز به زندگی آرام دور از جنگ برگشته‌اید، اما روحتان را همراه خود نیاورده‌اید.

در همین لحظات است که حس می‌کنید انگار خود شما بودید که زمان زیادی را با کمبود امکانات و استرس و اضطراب در محاصره جنگیدید و حالا دقیقا همان زمانی است که باید نفس راحت بکشید، اما نفستان در سینه حبس شده و بیرون نمی‌آید. بله، این مشخصا همان حسی است که شما دارید. درست شبیه حسی که شخصیت اصلی داستان تجربه می‌کند. در واقع شما هم مثل او هیچ‌گاه از صحنه‌ی جنگ برنمی‌گردید. توصیفات دقیق از اتفاقات پس از جنگ و حال‌وهوای عجیبی که رزمندگان در شهرهای ساکت و امن تجربه می‌کنند شما را به فکر فرو خواهد برد و به یقین خواهید رسید انسان‌هایی که به طور مستقیم جنگ را تجربه می‌کنند دیگر به زندگی قبل خود برنخواهند گشت، گرچه علی‌الظاهر در هیاهو و شلوغی شهر گم شوند. اثریا در صد و بیست صفحه، یازده فصل و با زبان محاوره نوشته شده است.

همین ویژگی زبانی باعث می‌شود به زودی با داستان ارتباط بگیرید. مشخصه‌ی اصلی کتاب که مهارت نویسنده را بیش از پیش نمایان می‌کند چرخش هنرمندانه موقعیت‌های به ظاهر معمولی به موقعیت‌هایی کاملا جنگی و تراژیک است. چه بسیار لحظاتی که درگیر دیالوگ‌های ردوبدل شده بین شخصیت‌ها می‌شوید و ناگهان به خود می‌آیید و می‌بینید اشکتان جاری است. باید گفت این شکل توصیف از شرایط جنگی و این زاویه نگاه به اتفاقات و مسائلی که پیش می‌آید شکلی کاملا نو و بدیع است؛ به خصوص زمانی که تقریبا به انتهای کتاب نزدیک می‌شوید و بدون‌تعارف‌ترین جملات آن را می‌خوانید، درست وقتی که نویسنده آدم‌های حاضر در مناطق جنگی را تقسیم‌بندی می‌کند و بی‌واسطه می‌گوید که خیلی از آن‌ها برای جنگیدن به آن‌جا نیامده‌اند. بلکه فقط آمده‌اند تا از جنگیدن بقیه سهم ببرند و اسم و رسم بسازند.

مخلص کلام اینکه با خواندن «اثریا» کاملا متوجه خواهید شد یک رزمنده جبهه دیده پس از جنگ چه حسی به آدم‌های عادی و زندگی معمولی دارد. او هیچ‌گاه کسانی را که برای داشتن دنیا، آخرت خود را فروختند فراموش نخواهد کرد. آن‌ها که برای مال دنیا دست به هرکاری زدند و خاطرات واقعی رزمندگان را مال خود کردند. چه بسیار جوانان شجاع و خالصی که شهید شدند و تسبیح به دستان دروغینی که از شهادت آن‌ها بهره بردند. در نهایت اینکه می‌توان گفت حتی اگر تا پیش از این در ژانر ادبیات پایداری مطالعه‌ای نداشته‌اید یا به این سبک علاقه‌ای ندارید، بی‌شک این شکل از روایت شما را میخکوب خواهد کرد.

«اثریا» نوشته نیما اکبر خانی است که از سوی سوره مهر در ۱۲۰ صفحه منتشر شده است.

خبر

توسط نشر ثالث

«زندگی یک نهنگ قبل از خودکشی» به چاپ دوم رسید

«زندگی یک نهنگ قبل از خودکشی» اثر تازه فاضل ترکمن که بعد از دو سال مجوز انتشار گرفت توسط نشر ثالث با شمارگان ۷۷۰ نسخه، ۶۲ صفحه و بهای ۲۵ هزار تومان به چاپ دوم رسید. داستان کتاب درباره نویسنده‌ای به‌نام «رضا کیاست» است که بحران‌ها و شکست‌های مختلفی را در زندگی تجربه کرده و دچار اضمحلال روحی و روانی شده است.

کتاب در چهارده فصل و با زبانی تلخ و گزنده و البته طنزی سیاه به گوشه‌هایی از وضعیت خاص ادبیات و هنر در ایران می‌پردازد.

ترکمن درباره این تک گویی گفت: آگاهانه برای راوی کتاب زبان محاوره را انتخاب کردم. روایتی بی‌پرده و بدون غل‌وغش که به روحیه راوی نزدیک است. چیزی شبیه به زبان هولدن کالفیلد در ناتور دشت که عصیان‌گری‌های خاص خودش را دارد و همین در لحن روایت نیز تاثیر می‌گذارد.

ترکمن پیشتر گفته بود قصد دارد در فرصتی مناسب و بعد از بهبود شرایط دوران کرونا، این نمایشنامه (تک‌گویی) را با کارگردانی خودش روی صحنه ببرد. زندگی یک نهنگ قبل از خودکشی با نقاشی اختصاصی علی خالق و گرافیک مرتضی آذرخیل در دسترس مخاطبان قرار گرفته است.

لادن نیکنام (نویسنده و منتقد) درباره کتاب زندگی یک نهنگ قبل از خودکشی نوشته است: «بعضی کتاب‌ها در ذات خود شخصیت دارند. روی شانه‌های یک «شخصیت» ایستاده‌اند. شخصیت با مخاطب به سخن درمی‌آید. وادارت می‌کند یک‌نفس بخوانی. جای نویسنده و مخاطب عوض می‌شود. خودت را در آینه قهرمان داستان پیدا می‌کنی.

با اطمینان‌خاطر می‌توانم بگویم در دهه گذشته دو بار در دو اثر هنری خودم را به نظاره نشستم. یک بار وقتی «پرده‌ی آهنین» از علی شروقی را خواندم. یک بار هم وقتی «زندگی یک نهنگ قبل از خودکشی» را در یک نشست خواندم. کتابی به قلم فاضل ترکمن که شجاعانه به زوایای تاریک و خوفناک ذهن یک نویسنده نور تابانده است. عریان و بی‌واسطه دست مخاطب را گرفته و به دالان‌های ذهنی نویسنده ایرانی می‌برد. و مخاطب؛ خود را نویسنده می‌پندارد. شباهت کم نیست بین مخاطب داستان و نویسنده. هر دو از یک جنس درد رنج می‌برند. یکی می‌نویسد، دیگری می‌خواند. و فاضل ترکمن فاصله بین این دو سر را با متنی تپنده و با زبانی که تشخص دارد، ساخته است.

زبان نقش مهمی در اجرای متن دارد، وقتی می‌گوید: ما جاست فرند هستیم... واقعاً چه حرف بی‌ربطی: چیزی که تو را نکشد، قوی‌ترت می‌کند... تو ریزریز آب می‌شوی از این‌جایی که باید کشته می‌شدی و حالا فقط در رفته‌ای. نویسنده خوب حالی‌مان می‌کند که صابون این جامعه به جامه‌ی همه‌مان می‌خورد. بی‌خود هم دست و پا نزنید. _ زجرت را بکش. صدات هم در نیاید. در بیاید هم تکلیفت روشن است.

از نصیحت و توصیه بیزارم. چون خودم از پیشنهادات و انتقاداتی که دریافت کرده‌ام، چیز زیادی دستم را نگرفته است. جز در مورد چند نفر مشخص که وجودشان چراغ درونم را روشن نگه می‌دارد. اما به شمای مخاطب می‌گویم داستان بلندِ تک‌گوییِ زندگی یک نهنگ قبل از خودکشی را بخوانید.

خدا را چه دیدید، شاید شما هم با مصیبت‌های وارده بر تن و جان‌تان چنین طنازانه و هوشمندانه رفتار کنید. بالاخره این‌جا صفحه دوستداران هنر و ادبیات و سینماست. باید گاهی‌اوقات به من اعتماد کنید. کتابی به زیبایی زندگی یک نهنگ قبل از خودکشی؛ شما را به شیرجه‌زدن در عمق ذهن نویسنده دعوت می‌کند. و در این روزگار عجیب‌وغریب هیچ کاری بیش‌تر از شیرجه‌زدن به شما انرژی نمی‌دهد.»

فاضل ترکمن نویسنده، شاعر و روزنامه‌نگار متولد ۱۳۶۷ و کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی است که در حال حاضر دبیری کتاب‌های مستقل بخش ادبیات و هنر در نشر روزنه را برعهده دارد. از این نویسنده و منتقد ادبیات و سینما و تئاتر پیشتر کتاب‌های «دختری که اشک‌های مرا پاک می‌کرد»، «خواب آبی»، «هیچ عشقِ تازه‌ای جدید نیست»، «کیف پول من گرسنه است»، «وقتی دماغ پینوکیو توی سوراخ گوش من بود»، «یکی بیاید مرا لِهْ کند»، ««پولِ چراغِ جادو»، «سفر به قبرستان» و «حرف‌های گریه‌دار» منتشر شده است.

«اندیشیدن از الف تا یاء» به چاپ چهارم رسید؛ چگونگی سنجیده اندیشیدن به روایت نایجل واربرتن

به نقل از روابط عمومی انتشارات علمی و فرهنگی، «اندیشیدن از الف تا یاء» با زیرعنوان گام نخست در تفکر نقادانه، نوشته نایجل واربرتن، فیلسوف انگلیسی و استادیار فلسفه است. کتابی که تفکر انتقادی را به‌ویژه از منظر مرور مغالطه‌های منطقی مشهور و الگوهای سنجشگری پی می‌گیرد. مترجم این کتاب مهدی خسروانی است و به تازگی نیز چاپ چهارم آن روانه کتابفروشی‌ها شده است.

مترجم در این اثر برای اصطلاح «تفکر انتقادی» «سنجشگرانه‌اندیشی» را انتخاب کرده است؛ نکته‌ای که چهل صفحه مقدماتی مترجم کتاب را به خود اختصاص داده است. خسروانی در چهل صفحه با جزئیات و دلیل‌های بسیاری توضیح می‌دهد که «سنجشگرانه‌اندیشی» ترجمه درست‌تری برای اصطلاح critical Thinking است. پیشتر از این ما با معادل تفکر انتقادی بیشتر آشنا بودیم، اما خسروانی استدلال می‌کند که تفکر انتقادی هنوز آن‌طورها که باید جا نیفتاده است و می‌توان سنجشگرانه‌اندیشی را برایش جایگزین کرد. توضیحات چند ده صفحه‌ای روان او برای این انتخاب تأمل‌برانگیز و آموزنده است.

پس از مقدمه مترجم، کتاب اصلی واربرتن در ۲۱۶ صفحه آغاز می‌شود. همان‌طور که گفته شد سویه آشنایی با مغالطه‌های منطقی و مرور آن بن‌مایه کتاب واربرتن را تشکیل می‌دهد. از این روی کتاب خیلی شبیه کتاب‌های مرور مغالطات شده است، با این تفاوت که در اینجا ما تا حدودی با سویه‌های ایجابی سنجیده‌اندیشی هم آشنا می‌شنویم. ولی در هر صورت شباهت محتوایی کتاب با کتاب‌هایی که پیشتر درباره مغالطه‌ها نوشته و منتشر شده به حدّی است که می‌توان عنوان کتاب را آشنایی با مغالطه‌های منطقی گذاشت. البته که محتوا محدود به مغالطه نیست و الگوهایی تفکری را هم توضیح می‌دهد که به تقویت سنجشگری می‌انجامد.

اندیشیدن از الف تا یاء یا A تا Z در نسخه اصلی، با پایه قرار دادن مرور مغالطه‌های منطقی (در کنار الگوهای سنجشگرانه‌اندیشی مثل آزمایش ذهنی) برحسب حروف الفبا تدوین یافته است. با لحاظ اینکه در نسخه فارسی و ترجمه شده این تدوین و دسته‌بندی با نظم الفبایی فارسی صورت گرفته است. مثلاً در باب «آ» ما با مفاهیم و مغالطه‌هایی مثل آدمک پوشالی، آرزویی اندیشی و آزمایش ذهنی آشنا می‌شنویم.

زبان کتاب روان و مثال‌ها ملموس و آشنا و توضیحات تا حدّ ممکن عاری از اصطلاحات فنی منطقی و فلسفی است. خواننده در پایان کتاب با مرور و اشراف بر هر کدام از مفاهیمی مثل شاهد حکایتی، توسل به جمعیت، بازتعریف دلبخواهی، توریه‌گویی، قیاس ناکامل، استدلال دندان‌شکن، پاسخ وکیل، وکیل مدافع شیطان، پاسخ سیاستمدار، برهان جهل، ژرف‌نمایی، استدلال شیب لغزنده و ... و نیز مغالطه‌هایی صوری و غیرصوری‌ای مثل مغالطه حمله شخصی، آدمک پوشالی، خودت هم، ون گک، تعلق شخصی، این را نگویی چه بگویی، پیداش، خلط همبستگی / علت، دلیل‌های بد، دموکراتیک، ریشه‌شناختی و... می‌تواند با ذهنی پخته و تیزتر اندیشه‌های خود و دیگران را حلّاجی کند و مینیاتوری بسنجد. انتشارات علمی و فرهنگی کتاب Thinking from A to Z با عنوان فارسی «اندیشیدن از الف تا یاء»، نوشته نایجل واربرتن با ترجمه مهدی خسروانی را منتشر کرده است. این کتاب نخست‌بار در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است. انتشارات علمی و فرهنگی پس از استقبال مخاطبان از کتاب به‌تازگی چاپ چهارم آن را با قیمت ۳۸ هزار تومان روانه بازار کرده است.